

## بینش علمی (نحوه نگاه طلبه به مقوله کسب دانش) - ج 4

حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا فلاح

### قاعده 4: علم محصول عمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ طَاهِرِينَ

بحثی که داشتیم به آن می‌پرداختیم این بود که اسلام در باب علم و علم‌آموزی دیدگاه دارد، صاحب دیدگاهی است، برای خودش منطقی دارد، ادبیاتی دارد و عالمی درست می‌کند، عالم حیات علمی و ندانستن آن و نپیوستن به این فرهنگ محرومیت کمی محسوب نمی‌شود و طبیعتاً آدمی که در یک عرصه‌ای وارد می‌شود برای خودش یک دیدگاهی را دست‌توپا می‌کند، آن دیدگاه یا یک دیدگاه کاملاً عوامانه‌ی عرفی است یا دیدگاهی است که با فرهنگ اسلامی زاویه دارد و آدم متوجه نیست چون کارهایش را دارد راه می‌اندازد با آن متوجه نیست. این صحبت‌ها از این جهت مهم است که ما را داخل فضای فکر اسلامی بکند در هر حوزه‌ای به خصوص در حوزه‌ی حیات علمی و مقوله‌ی توجه به علم و علم‌آندوزی.

چند نکته گفته شد یکی دیگر از نکته‌ها این که در فکر اسلامی علم محصول عمل است و این نکته را باید اول دانست و بعد جمع کرد بین این که ما داریم تشویق می‌شویم به این که کتاب بخوانیم و کار علمی بکنیم، تحقیق کنیم در کتاب‌ها، کار ذهنی بکنیم و مجموعه‌ی این‌ها موقعی که مورد اهتمام ما قرار می‌گیرد و بعد از اهتمام وارد می‌شویم در آن یک زندگی برای ما درست می‌کند به‌اصطلاح یک زندگی ذهنی درست می‌کند برای ما، این را یک‌طرف داریم یک‌طرف دیگر تأکید بر این مسئله که علم محصول عمل است و از رهگذر عمل چیزهایی غیر انسان می‌آید.

این را بحث طویل‌الذیلی باید شمرد منتها یک ورود مختصری ما اینجا بکنیم به جهت این که در این صحبت کوتاه بیشتر می‌شود کد زد، این بحث‌ها را می‌شود کد زد تا بعدها مثلاً یک فهرستی از این منظومه‌ی فکری موقعی که درست شد، بعد مثلاً به فکر جمع زدن باشیم که حالا این مجموعه‌ی بینش‌ها و باورداشت‌ها را چه طور باهم دیگر به وفاق بیندازیم و چه طور باهم جمع بکنیم؟

از یک طرف عمل، ظرف فهم شمرده شده است. آقا علی بی الحسین علیه السلام می فرمایند: **العلمُ دَلِيلُ الْعَمَلَ**

**وَ الْعَمَلُ وَعَاءُ الْفَهْمِ.** در این حدیث اعتمای به علم دیده می شود، اعتبار بخشیدن به علم، جایگاه دادن به

علم و مثمر ثمر و مفید شمردن علم دارد دیده می شود. می گوید: علم دلیل عمل است، راهنمای عمل است. بدون علم، عمل سرگردان است؛ و به تعبیر زیبای شهید مطهری اگر علم باشد حتی ایمان هم باشد و عمل به دنبال آن ایمان، ایمان پرشور و پر حرارت هم باشد چیزی غیر از به دور خود چرخیدن به دست نمی آید. علم اهمیت بسیار بالایی دارد، در فرهنگ اسلامی مسلم و مسجل است؛ راهنمای عمل است.

در ادامه می فرمایند: عمل ظرف فهم است؛ یعنی یک کارکرد معرفتی هم به عمل بخشیدند؛ یعنی عمل ظرف به کارگیری فهم نیست فقط، ظرف فهم است. این نکته‌ی مهمی است و خیلی می شود اینجا حرف زد، خیلی می شود اینجا تحلیل آورد منتها ما از آن بگذریم.

دو نکته را می خواهیم بگوییم، در حدیث دیگری از آقا امام صادق علیه السلام داریم **مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلِّمَ كَفَى**

**ما لَمْ يَعْلَمْ.** این یک زاویه، یک نگاه دیگری است خویشاوند است با این بحث قبلی ولی زاویه‌ی نگاهش فرق می کند، کسی که به آنچه می داند عمل بکند، از چیزهایی که نمی داند کفایت می کند برایش؛ یعنی به کفایت می رسد، او را به حد خود کفایی می رسانند، به حد کفایت می رسد.

این واقعاً احتیاج به تفسیر دارد اینجاها اگر بخواهیم باستیم از محدوده‌ی صحبت‌های کوتاه می‌زنیم بیرون ولی از قصد هم بنده توجه می‌دهم که اینجاها نیاز به تفسیر دارد برای این‌که بعدها در یک بحث مفصل‌تر و با دقت بیشتر و یک بحث طلبگی همه‌ی این‌ها را باهم دیگر باید به وفاق بیندازیم؛ یک بافت تئوریک پدید بیاید، یک بافت نظری پدید بیاید، صاحب یک دیدگاه منسجم بشویم در باب علم ولی این‌ها را بالاخره گفته شده است این‌ها دیگر تصریحات است.

همین‌جا یک حدیث جالب دیگری از آقا امیرالمؤمنین علیه السلام هست که این را بخوانم، از آن گذر کنم حدیث چهارمی را هم بخوانیم بعد این مبحث را یک جمع‌بندی بزنیم.

آقا امیرالمؤمنین می فرمایند: انما خیلی جالب است می فرمایند: **إِنَّمَا زَهَدَ النَّاسُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَسْرَهُ**

**ما يَرَوْنَ مِنْ قِلْهِ مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلِّمَ:** یعنی به یک معنا با یک مقدمه بگوییم، مردم یک مقدار عمل‌گرا هستند موقعی که می بینند علم بی خاصیت است چرا؟ چون کسانی که دنبال علم می‌روند آن‌ها به کار

نمی‌گیرند. بعد می‌بینند این همان حسنقلی خودمان است این‌که خیلی فرقی نکرد فقط یک مقدار صدایش را به حلق می‌اندازد و اداواصولی دارد درمی‌آورد؛ والا مثلاً همان است تغییری نکرده است.

به خاطر همین شوقی در تحصیل علم ایجاد نمی‌شود در مردم **إِنَّمَا ذَهَبَ النَّاسُ فِي طَلْبِ الْعِلْمِ** چه چیزی باعث زهد مردم شده است؟ این‌که زهد می‌ورزند، راحت می‌گذرند، زاهدان چه طور هستند؟ می‌گذرند دیگر، زاهدها می‌گذرند، عبور می‌کنند، زهد می‌ورزند، چرا این‌طور شدند مردم؟ **كَسَرَهُ مَا يَرَوْنَ**

خیلی دارند این تصویر را می‌گیرند **كَسَرَهُ مَا يَرَوْنَ مِنْ قِلَهِ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ**. هرچه تصویر می‌گیرند می‌بینند که این است یا بگوییم عمدتاً می‌بینند این است. حالا یک‌چند موردی مثل امام خمینی و حضرت آقا خلاصه آنتن را به هم می‌زنند و این‌ها احساس می‌کنند نه مثل این‌که یک خاصیت‌هایی هم دارد.

این را داشته باشیم که بالاخره عمل وضعیت بحرانی دارد و به خاطره همین در سبد تجربیات ما خیلی نیست. مثلاً فرض بفرمایید که من خاک شیر زیاد خوردم بعد موقعی که در مورد خاصیت خاک شیر صحبت می‌کنند من بگویم من می‌فهمم این را خیلی تجربه کردم واقعاً؛ یا مثلاً یک مطلب دیگری می‌گویم؛ یعنی در سبد تجربیات من هست این حدیث دارد می‌گوید که کلاً اینجا وضع بحرانی است و عالمان عمدتاً به تعبیری اگر یک زیست عالمنه داشته باشیم در این زیست عالمنه یک‌چیزی در این کاروبار افتاده است و آن‌هم کسرت بی‌عملی است به خاطر همین در فرهنگ عالمان تجربه‌ی این نیست که **مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ كَفَىَ مَا لَمْ يَعْلَمْ**

یک مقدار اینجا کمرمق است و به‌اصطلاح صحنه رنجور است و الا در شعور عام حوزویان این مسئله حضور داشت به‌طور جدی که **مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ كَفَىَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** چرا در مخ من نیست؟ به خاطر این‌که در فرهنگ ما کلاً نیست. چرا نیست؟ به خاطر **كَسَرَهُ مَا يَرَوْنَ مِنْ قِلَهِ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ**.

قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم: **مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَثَهُ اللَّهُ عَلِمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** اینجا یک مقدار تصریح به این است کسی که عمل بکند خداوند به او علم می‌دهد، آنجا گفت **كَفَىَ مَا لَمْ يَعْلَمْ**. کفای نمی‌فهمیدم منظور این است که همین‌که دست ما را می‌گیرند نمی‌گویند کدام سمت است به سمت راست باید برویم به سمت چپ باید برویم ولی ما را هل می‌دهند ما را به سمت راست می‌رویم **كَفَىَ مَا لَمْ يَعْلَمْ**.

اما اینجا آقا رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه می‌فرمایند: نه اصلاً خداوند به او یک همچین چیزی می‌دهم، میراثی

می‌دهد عَلِمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.

به تعبیری شاید این‌طور می‌شود جمع‌بندی کرد که از رهگذر عمل ما مورد تعلیم الهی قرار می‌گیریم، می‌رویم ذیل این قاعده‌ها؛ یعنی یک قاعده‌هایی اینجا هست، چه طور مثلاً اگر کسی دچار عجب بشود خدا یک بلایی سرش می‌آورد، اگر کسی دچار حسد بشود خدا یک کاری با او می‌کند یعنی درواقع آن‌کسی که دچار حسد می‌شود خودش را می‌برد زیر این قاعده‌ی حسد، کسی هم که عمل به علم می‌کند خودش را می‌برد در این قاعده و در این قاعده این اتفاق می‌افتد، که از رهگذر عمل انسان مورد تعلیم الهی قرار می‌گیرد. چقدر خوب است یک آهنگ دائمی داشته باشد عمل در زندگی علمی ما یک آهنگ دائمی داشته باشد، همین‌طوری باشد همیشه، همیشه این‌طور باشد که یک‌چیزی که می‌فهمیم یک مقداری عمل کنیم، نه این‌که فقط یادداشت کنیم بسپاریم در این پوشیده‌ها و زوم کن‌ها و اخیراً دیجیتال شده است همه‌چیز!

وَصَلَى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ طَاهِرِينَ